

کنسیرفلا

قرار گرفت و آن حضرت را به ملکوت
اعلی برد (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۵۳).
از نگاه پیشینیان، در پس این
آسمان نیلگون دنیایی، آسمان روحانی
سبزگون، یعنی جایگاه فرشتگان یا
سبزپوشان فلک، بهشت و عرش اعلی
قرار داشته است و هنرمندان هم هرگاه
خواسته‌اند دریچه‌ای از این جهان مادی
به سوی عالم معنا بگشایند، در آثار
هنری خود، از رنگ سبز یا آبی متمایل
به سبز فیروزه‌ای استفاده کرده‌اند. برای
مثال: در معماری، رنگ گنبد برخی
مساجد، آبی متمایل به سبز است.
مانند: مسجد جامع گوه‌رشاد یا گنبد
سبز مشهد... بدین‌سان، درمی‌یابیم
که معماران مسجدالنبی براساس این
اندیشه‌ها، رنگ سبز را برای گنبد آن
بارگاه باشکوه انتخاب کرده‌اند. در
نگارگری نیز، قسمت‌هایی از البسه
شخصیت‌های بزرگ دینی و مذهبی
را به رنگ سبز می‌آرایند که نشانی از
ارتباط آن بزرگان با عالم بالاست.
رنگ سبز در آیین‌های مختلف
احترام و قداست ویژه‌ای دارد و به‌ویژه
در نموده‌های نباتی، درختان سبزپوش،
معبری به سوی عالم بالا هستند. برای
مثال، سرو در آیین زرتشت و انجیر

مردم دنیای باستان برای آسمان،
جنس و رنگ خاصی در نظر داشتند؛
به اعتقاد آنان آسمان دنیا، از جنس
زمرد و سبزرنگ بود یا آسمان سوم
را از جنس یاقوت سرخ^۲ می‌دانستند
(مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۰). فردوسی در بیته
به این جنبه اساطیری آسمان اشاره
کرده است:

ز یاقوت سرخ است چرخ کبود
نه از باد و آب و نه از گرد و دود^۳
آسمان در اساطیر زرتشتی، بیشه‌مانند
و سبزرنگ (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۹۳) و ماه
در اوستا، مربی گیاه و رستنی است.^۴
قرآن کریم، از آسمان به‌عنوان منشأ
سرسبزی و حیات یاد کرده است.^۵
رنگ سبز نشان شادابی، طراوت و
زندگی است و در قرآن در توصیف
بهشت به کار رفته است. برای نمونه:
مُتَّكِنِينَ عَلٰی رُفُوْفٍ خُضْرٍ...^۶ بهشتیان بر
بالش‌های سبز تکیه زده‌اند و یا: عَلٰیئِهِمْ
ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ...^۷ بر بالای بهشتیان،
جامه‌های زیبای سبزرنگ است.

از این آیات چنین استنباط می‌شود که
رنگ سبز، رنگی بهشتی و آسمانی است.
در تفسیر سوراآبادی آمده است: هنگامی
که جبرئیل در معراج از پیامبر باز ماند،
شادروانی سبزرنگ در زیر پای پیامبر

چکیده

در این مقاله، ریشه‌های اساطیری و
آیینی کاربرد رنگ سبز به جای رنگ آبی
بیان می‌شود و براساس آن، یکی از ابیات
شعر توصیف ابر، از کتاب پیش‌دانشگاهی
(رشته علوم انسانی) تجزیه و تحلیل
می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

رنگ سبز، رنگ آبی، اسطوره، آیین.

مقدمه

از دیرباز، آسمان بی‌کران نیلگون دنیای
پر راز و رمز آدمی و سرچشمه وحی و
الهام بوده و بشر همواره برای رسیدن به
آرزوهای خود، دست‌نیز به سوی آسمان
گشوده است. از این روی، بسیاری از
باورهای آیینی و اسطوره‌ای با آسمان و
اسرار آن پیوندی ناگسستنی دارند.

رنگ آسمان

یکی از نمودهای زیبای اساطیری
در باره آسمان، کاربرد رنگ سبز به
جای رنگ آبی است. این پندار از
اساطیر و کتب آسمانی نشئت گرفته
و جلوه‌هایی از آن در هنر و ادب پارسی
یافت می‌شود که به تدریج در ناخودآگاه
مستمع نقش بسته است.^۱

مهدی مهدی‌زاده

کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی
دبیر دبیرستان‌های
مشهد

در آیین بودا، در قرآن نیز، از درختانی هم‌چون: انجیر، زیتون،^۸ خرما و سدر به نیکی یاد شده است. وجود درخت سدره‌المنتهی^۹ در جانب راست عرش و بر بالای آسمان هفتم نیز، پندار سبز بودن فلک را هر چه بیش‌تر، به ذهن شاعران و هنرمندان متبادر کرده است. بر این اساس، شاعران در توصیف رنگ آسمان از عالم‌واقع یا فراتر نهاده و متناسب با اساطیر و باورهای آیینی، تعبیری مانند: دریای سبز، گنبد خضرا، مزرع سبز و... را به کار برده‌اند. این توصیفات به تبع شعر کهن پارسی، در شعر معاصر نیز، جریان یافته و برای مثال، شاملو آفتاب را سبزگون توصیف کرده است.

تحلیل شعر توصیف ابر

در کتاب ادبیات پیش‌دانشگاهی (رشته انسانی)، در شعر توصیف ابر از فرخی سیستانی، آسمان به‌سان دریایی سبزرنگ و ابرهای در حال حرکت، چون بچه‌های سیم‌رغ نمایان می‌شود. این بیت یکی از نمونه‌های زیبایی است که شاعر خواننده را به دنیای اساطیر می‌برد. عنقا، پرنده اساطیری، در آسمان سبزگون که آسمان اساطیری است- توصیف می‌شود و تناسب زیبایی ایجاد می‌کند. حال اگر در تحلیل این بیت و یا ابیاتی مانند آن، از توجیهاتی هم‌چون سبزرنگ بودن رنگ فلک در بعضی اوقات یا اختلاط رنگ آبی و سبزرنگ در گذشته، استفاده کنیم، به خطا رفته‌ایم؛ زیرا دنیای هنر و شعر، پهنه خیال‌پردازی است و نباید این جنبه اساطیری آسمان را نادیده گرفت. در این‌جا بعضی تعبیر شاعران درباره رنگ آسمان و فلک را بیان می‌کنیم.

- دریای اخضر

«تردبانی دیدم از نور... ساق آن بر صخره بیت مقدس و سر آن به آسمان رسیده... پای بر آن نهادم. همی چشم باز کردم؛ به بحر اخضر رسیده بودم...» (عتیق نیشابوری، همان: ۱۹۷).

دریای اخضر فلک و کشتی هلال هستند غرق نعمت حاجی قوام ما (حافظ)
شمس و قمر دو لؤلؤ دریای اخضرند
از روی مهر آمده لالای مصطفی (خواجوی کرمانی)

- دریای سبز

تو گفتی آسمان دریاست از سبزی و بر رویش
به پرواز اندر آورده است ناگه بچگان عنقا (فرخی)
گوی سبزی دریا موجی زد
وز قعر برفکنند به سر گوهر (ناصر خسرو)

- سبزی آشیان

گر مرا از دام خواجه باشد اومید نجات
بال بگشایم وزین سبزی آشیان بیرون پریم (خواجو، دیوان: ۹۸)

- سبزی بارگاه

فلسی شمر ممالک این سبزی بارگاه
صفری شمر فذلک این تیره خاک‌دان (خاقانی، دیوان: ۳۰۹)

- سبزی بیابان

این سبزی بیابان که چون شب آید
پر لاله شود همچو باغ نیسان (ناصر خسرو، دیوان: ۱۵۵)

- فلک اخضر

آن است پادشاه که پدید آورد
این اختران و این فلک اخضر (ناصر خسرو، ۱۴۷)

- قبه زبرجد^{۱۰}

این قبه زبرجدی از نه به ده رسید
از بس که از محیط رود بر فلک غبار (ابن‌یمین، دیوان: ۸۴)

- قبه خضرا

خاک به فرمان تو دارد سکون
قبه خضرا تو کنی بی‌ستون (نظامی، مخزن‌الاسرار)

- گنبد خضرا

دوش در روی گنبد خضرا
مانده بود این دو چشم من عمدا (مسعود سعد، دیوان ۱۱)

- مرغزار

گردون چو مرغزار و در او ماه نو چو داس
گفتی که مرغزار همه بدرود گناه (امیر معزی، دیوان ۲۴)

- مزرع سبزی

مزرع سبزی فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ، غزل ۴۰۹)

پی‌نوشت

۱. در بعضی از روستاهای خراسان گاهی به رنگ سبزی، آبی می‌گویند که ریشه در باورهای کهن درباره فلک دارد.
۲. آسمان دوم از سیم سپید، آسمان سوم از یاقوت سرخ، آسمان چهارم از در سپید، آسمان پنجم از طلای سرخ، عقیقی، رحیم؛ فرهنگ‌نامه شعری، سروش، ۱۳۷۳. آسمان ششم از یاقوت زرد و آسمان هفتم از نور است.
۳. شاهنامه، تصحیح ژول مول، ج ۱، بیت ۷۷.
۴. پوردادود، ادبیات مزدیسنا (یشت‌ها)، سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی، ص ۳۱۸.
۵. الانعام، آیه ۹۹.
۶. الرحمن، آیه ۷۶.
۷. الدهر (الانسان)، آیه ۲۱.
۸. التین، آیه ۱.
۹. النجم، آیه ۱۴.
۱۰. زبرجد و زمرد هر دو یکی است لیکن دو نام دارد (نزهت‌نامه علایی، ۲۶۰).

منابع

۱. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم؛ اسطوره، بیان نمادین، سروش، ۱۳۷۷.
۲. پورنامداریان، تقی؛ سفر در مه، ۱۳۷۴.
۳. عتیق نیشابوری؛ قصص قرآن مجید، به اهتمام یحیی مهدوی، چاپ‌خانه دیبا، ۱۳۷۵.